

درس **چهارم** عربی یازدهم تجربی و ریاضی

و درس **پنجم** یازدهم انسانی

(صفت مفرد – جمله‌ی وصفیه)

مدرس : ابوالفضل مظهری ۰۹۱۱۳۷۶۷۳۰۶

موصوف و صفت (منعوت و نعت)

موصوف: کلمه‌ای است که مورد وصف واقع شده است .
صفت (نعت): کلمه‌ای است که موصوف را وصف می‌کند .

مانند :

وردة جميلة (گلی زیبا - یک گل زیبا)

صفت

موصوف

صفت ها یا بصورت **مفرد** (یک اسم) و یا بصورت **جمله** می آیند .

مفرد : یک اسم است که موصوف خود را وصف می کند .

} صفت

جمله‌ی وصفیّه : یک جمله‌ی اسمیّه یا فعلیّه است که موصوف خود را وصف می کند .

جمله‌ی وصفیّه : صفتی برای یک اسم نکره است که به صورت **جمله** آمده است .

دوستی **راستگو** را دیده .

دوستی **که همیشه راست می‌گفت** را دیده .

صفت (نعت) مفرد :

یک اسم است که در ۴ حالت با موصوف خود مطابقت می‌کند :

۱ - در تعداد (مفرد ، مثنی ، جمع بودن)

۲ - در جنسیت (مذکر ، مؤنث بودن)

۳ - در اعراب (مرفوع - منصوب - مجرور و ...)

۴ - در معرفه و نکره بودن .

گلی زیبا - یک گل زیبا

وردة^{۲۴} جمیلة^{۲۴}

مفرد

مفرد

مونث

مونث

مرفوع

مرفوع

نکره

نکره



مرد دانا

الرَّجُلُ الْعَالِمُ

مفرد ، مذکر

معرفة ، منصوب

مفرد ، مذکر

معرفة ، منصوب

نکته) برای جمع هایی که بر غیرعاقل (غیر انسان) دلالت می کنند ،
صفت (مفرد - جمله) همیشه به صورت مفرد مؤنث آورده می شود .

الآياتِ الشَّرِيفَةِ

صفت به صورت

مفرد مؤنث

موصوف به صورت

جمع ، مؤنث (آیه)

الْمَنَاطِقِ الْمُخْتَلِفَةِ

صفت به صورت

مفرد مؤنث

موصوف به صورت

جمع مکسر غیر عاقل

معمولاً هنگامی که بعد از اسمی نکره ، فعلی بیاید
که درباره‌ی آن اسمِ نکره توضیح دهد، در ترجمه به
فارسی بعد از آن اسم ؛ حرفِ ربطِ « که » می آید و
فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می شود.

مثال:

شَاهِدُنَا سِنَجَابَاً يَقْفِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می‌پرید.

إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ .

پسری را دیدم که به سرعت راه می‌رفت.

در اسامی نکره صفت می‌تواند به صورت **جمله**

بیاید که این جمله را جمله وصفیه می‌نامند .

اسم نکره + ... جمله‌ی (اسمیه - فعلیه)

معمولاً جمله‌ی وصفیه

نکته (قبل از ترجمه‌ی جمله‌ی وصفیه کلمه‌ی (که) را می‌آوریم .

رَأَيْتُ ظَبِيًّا يَمْشِي بِهْدْوٍ .

(آهویی را دیدم که به آرامی راه می‌رفت .)

نکته ۳) در تشخیص جمله‌ی وصفیّه به موارد زیر دقت نمایید :

الف - جمله‌ی وصفیّه باید در تعداد و جنسیت با اسم نکره (موصوفش) برابری نماید .

ب - در جمله‌ی وصفیّه باید ضمیری وجود داشته باشد که با اسم نکره (موصوفش) برابری نماید .

ج - ممکن است جمله‌ی وصفیّه با فاصله و یا بدون فاصله با اسم نکره (موصوفش) در جمله بیاید .

د - جمله‌ی وصفیّه نباید با حروف عطف (وَ - فَ - ثُمَّ) و نیز حروفی مانند (لِ - لِي - لِأَنَّ - مَتَى - كَيْ - لَكَيْ - إِذَنْ - لَكِنَّ و ...) از اسم نکره (موصوفش) جدا شده باشد .

رَأَيْتُ كِتَابًا فِي الْمَكْتَبَةِ مَوْضُوعُهُ الطَّبُّ .

کتابی را در کتابخانه دیدم که موضوع آن پزشکی بود .

المُؤْمِنُ إِنْسَانٌ لَا يُحِبُّ الشَّرَّ .

(مؤمن انسانی است که بدی را دوست ندارد .)

ترجمه‌ی صفت مفرد و جملات و صفتیه :

۱ - صفت در زبان فارسی به صورت مفرد می‌آید ، هر چند در زبان عربی مفرد نباشد .

التَّلَامِيذُ الْمُجْتَهِدُونَ : دانش آموزان کوشا

الصَّدِيقَانِ الْوَفِيَّانِ : دو دوست وفادار

۲ - در ترجمه جمله‌ی وصفی ، حرف « که » را بر آن می افزاییم و خود فعل مطابق نیاز جمله معمولاً به ترتیب ذیل ترجمه می شود :

ماضی + ... **ماضی** = ماضی ساده + **ماضی بعید** در زبان فارسی (و یا ماضی)
جمله‌ی وصفیه

إِشْتَرَيْتُ كِتَابًا قَدْرًا أَيْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ :

فعل ماضی فعل ماضی

کتابی را خریدم که آن را در کتابخانه‌ی مدرسه دیده بودم (دیدم) .

ماضی + ... = مضارع = ماضی ساده + ماضی استمراری در زبان فارسی
جمله‌ی وصفیه

سَمِعْتُ نَدَاءً يَدْعُونِي إِلَى الصَّدَقِ .

ماضی مضارع

ندایی را شنیدم که مرا به صداقت فرا می خواند .

مضارع + ... = مضارع = مضارع إخباري + مضارع التزامي در زبان فارسی
جمله‌ی وصفیه یا مضارع إخباري

أَفْتَشُ عَنْ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ .
مضارع مضارع

دنبال کتابی می‌گردم که مرا در فهم متون یاری کند .

أشاهدُ طالباً يكتبُ تمارينَ الدرسِ في الصفِّ.

دانش آموزی رامی بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.